



اقتصاد ما سیاست‌زده است

اشاره:

طبق آمار حدود سه میلیون نفر فارغ‌التحصیل بیکار در کشور وجود دارد اما رئیس هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران معتقد است «سه میلیون نفر جزوه نویسی بیکار داریم! که هیچ‌کدام دانش را به معنای واقعی کسب نکرده‌اند. ده‌ها دانشگاه یکی پس از دیگری در شهرهای مختلف کشور تأسیس می‌شوند اما احداث هنرستان‌های توانمند و موثر چه اشکالی دارد؟ در این راستا سیاست‌های دولت بسیار تعیین‌کننده است و پیشنهاد جدی و کاربردی من به دولت، مجلس و آموزش عالی این است که بخشی از دانشگاه‌های آزاد اسلامی فعلی را که خوشبختانه در اقصی نقاط کشور هم وجود دارند و بسیاری از آنها از کمبود دانشجو رو به تعطیلی هستند را به هنرستان تبدیل نماید تا جوانان با فلزکاری، جوشکاری، لوله‌کشی و مشاغل فنی و تکنسینی آشنا شوند و عمر خود را در دانشگاه‌ها و خواندن دروس تئوری صرف نکنند. مهندس شهلائی نژاد در بخش دیگر این گفت‌وگوی مفصل به اجرای طرح پایش انجمن صنایع نساجی اران اشاره می‌کند و می‌گوید: «انجمن صنایع نساجی ایران در حرکت بسیار موثر و ارزشمند یعنی طرح پایش - که اتفاقاً به پیشنهاد اولیه من نیز مطرح و حمایت هیات مدیره محترم به تصویب رسید - و خوشبختانه طی یکسال گذشته به نتایج قابل توجهی هم رسیده ایم

در حال حاضر نقش و جایگاه تولید و صنعت کشور را در اقتصاد فعلی کشور چگونه می‌بینید؟ در شرایط امروز با توجه به افزایش رشد جمعیت و بحران منابع آبی، صنعت به نقطه اتکای کشور برای اشتغال‌زایی تبدیل خواهد شد البته ابزارها و روش‌های نوین کشاورزی مانند تبدیل آب شور به آب شیرین و روش‌های نوین در مصرف آب وجود دارد اما به دلیل هزینه‌های بالا و کمبود منابع آبی (که متعلق به نسل‌های آینده نیز هست)، با محدودیت‌های بسیاری در بخش کشاورزی مواجهیم لذا باید تمهیداتی برای افزایش سرمایه‌گذاری صنعتی اشتغال‌زا اندیشیده شود تا بتوان نیاز نسل‌های بعدی را برطرف نماییم.

در حال حاضر سهم بخش صنعت در اقتصاد ایران حدود ۲۳ درصد و سهم بخش خدمات حدود ۵۶ درصد است و متأسفانه یکی از نقاط ضعف اقتصاد کشور این است که بخش خدمات دربرگیرنده فعالیت‌های دلالی و واسطه‌گری بدون ایجاد اشتغال قابل توجه و پایدار است اما جالب است که بدانید ۶۰ درصد درآمدهای مالیاتی کشور از بخش صنعت تأمین می‌شود در حالی که در کشورهای در

ابتدا نیاز مملکت به محصولات مختلف صنایع نساجی را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس سرمایه‌گذاری‌های موجود و میزان ظرفیت‌ها و توان واقعی تولید و میزان واردات و صادرات را مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهد تا خلأهای زنجیره تولید و تامین زیرشاخه‌های صنعت نساجی را به‌دست آورد تا بتوان در مورد صنعت نساجی در کشور و میزان نیاز سرمایه‌گذاری‌های جدید در آن اظهار نظر کرد.»

این فعال صنعتی ضمن ابراز مخالفت با ممنوعیت واردات پوشاک اذعان می‌دارد: «پوشاک باید با تعرفه منطقی که امکان رقابت را برای تولیدکننده داخلی ایجاد کند وارد شود اما از سوی دیگر امکانات تولید باکیفیت و متنوع نیز فراهم گردد تا تولیدکننده داخلی به رقابت سالم با محصولات خارجی بپردازد.»

وی یادآور می‌شود: «وقتی سرمایه‌گذار تولیدکننده یک چهارم کاهش یافته با کدام برنامه می‌توان آن را توجیه کرد؟ مشکل ما عدم ثابت شرایط در کشور است. اقتصاد ما سیاست‌زده است در حالی که اقتصاد باید از سیاست جدا شود.»

حال توسعه و توسعه یافته با توجه به اشتغالزایی صنعت، درصد مالیات بسیار کمتر است و درصد مالیات از بخش خدمات نسبت به ایران بسیار بیشتر است و دولت‌ها در دنیا باید توسط مالیات اداره شوند نه درآمدهای دیگر، پس نقش صنعت در ایران بسیار حیاتی و مهم است و می‌تواند بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی کشور را برطرف نماید زیرا به دلیل کمبود آب، کشاورزی نمی‌تواند جایگاه چندان قابل توجهی به خود اختصاص دهد.

«به معضل کم‌آبی اشاره کردید اما پنبه به عنوان یکی از کالاهای استراتژیک در کشور شناخته می‌شود که مصرف آب آن تقریباً بالاست. این موضوع را چگونه تبیین می‌کنید؟»

در پاسخ به این سوال باید به روش‌های نوین کشاورزی در دنیا و بذره‌های اصلاح شده موجود در بازار اشاره ای کرد، که میزان مصرف آب در هکتار را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده‌اند میزان برداشت نیز به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این بذرها مقاومت بیشتری در برابر حمله آفات و حشرات دارند پس هزینه تهیه سموم را نیز کاهش می‌دهند. نکته بعد این‌که برداشت در هکتار نیز با واریته‌های اصلاح شده، چندبرابر بیشتر شده‌اند، البته یکی از مشکلات کشور این است که زمین‌های کشاورزی در قطعات کوچک و در اختیار گروه یا خانواده‌های مختلف قرار دارند که نمی‌توانند کمباین و سایر تجهیزات و ماشین آلات مربوط به کشت صنعتی را تهیه کنند پس مالکان باید در قالب تعاونی در کنار همدیگر قرار بگیرند و تجمیع شوند و دولت نیز یارانه در اختیار کشاورزان قرار دهد تا کاشت و برداشت پنبه به صورت مکانیزه انجام شود به این ترتیب هم هزینه‌های تولید پنبه در کشور کاهش پیدا می‌کند، هم درآمد کشاورزان بیشتر و در نهایت تولید بیشتر می‌شود و اگر مدعی

تولید ۷۰ هزار تن پنبه هستیم؛ افزایش آن به بیش از ۲۰۰ هزار تن با توجه به اصلاح بذر، کاشت و برداشت مکانیزه پنبه و از همه مهمتر پرداخت یارانه مستقیم به کشاورز همانند دیگر کشورها امکان‌پذیر خواهد بود و نیز متقابلاً کشور خودکفا خواهد شد و صنعت ریسندگی که مادر صنعت نساجی است توسعه بیشتر پیدا خواهد کرد و کشور را به خودکفایی واقعی سوق خواهد داد.

«با توضیحی که از بخش صنعت کشور ارائه فرمودید صنایع نساجی چه نقشی را در حوزه صنعت کشور ایفا می‌کند؟»

پیش از پاسخ به این سوال باید توضیح کوچکی ارائه دهم. مرور تاریخچه صنعتی شدن کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که همگی از توسعه صنعت نساجی شروع کرده‌اند. کشوری مانند انگلیس رشد و توسعه صنعتی را از نساجی آغاز کرد و امروز در صنعت بانکداری و بورس نقش موثری در اقتصاد دنیا ایفا می‌کند. آلمان، اسپانیا، ایتالیا و آمریکا نیز همین روند را طی کرده‌اند. در قاره آسیا نیز روند صنعتی شدن ژاپن و کره جنوبی با صنعت نساجی شروع شد و به نسل‌های جدید مانند چین، هندوستان، ترکیه، بنگلادش و سری‌لانکا تسری یافت در واقع همیشه نقطه شروع صنعتی شدن کشورهای پیشرفته، نساجی بوده است.

«آیا کشورهایی که اشاره کردید در تولید پنبه نیز همین وضعیت را دارند؟ آیا لزوماً در تأمین مواد اولیه نیز سرمایه‌گذاری کرده‌اند؟»

بهره‌مندی از مواد اولیه، مانند داشتن معادن طلا و نفت است. کشوری مانند انگلیس و آلمان که مزارع پنبه در اختیار نداشتند و بزرگ‌ترین واردکننده پنبه محسوب می‌شدند، حتی بنگلادش نیز تولیدکننده پنبه نیستند اما طی بیست و پنج سال گذشته موفق

به نصب ۱۰ میلیون دوک ریسندگی در مقابل حدود یک و نیم میلیون دوک ریسندگی ایران شده است. ترکیه ۴۵۰ هزار تن پنبه تولید می‌کند اما در حدود همین میزان واردات پنبه نیز انجام می‌دهد.

نکته مهم در صنعت نساجی این است که هر اندازه به انتهای زنجیره تولید نزدیک‌تر می‌شوید، ارزش افزوده آن چندبرابر افزایش پیدا می‌کند.

«ایران، کشور کم‌آبی است اما در حوزه آب‌خیز داری هیچ‌گاه مدیریت کشور برنامه‌ریزی دقیق انجام نداده تا منابع موجود را در مسیر صحیح قرار دهد و از مواهب آن بهره‌مند شود و به همین ترتیب در سایر بخش‌های مدیریت کشور نیز اعم از صنعت و کشاورزی و خدمات بدون برنامه به پیش رفته ایم.»

ضمن تایید صحبت شما متأسفانه باید بگویم قنات‌های چندین هزار ساله به دلیل احداث ساختمان‌های چندین طبقه از بین رفته‌اند در حالی که پیشینیان ما به خوبی می‌دانستند کشور دچار کمبود آب است و خواهد بود و تمهیداتی مانند حفر چاه و قنات برای حل این بحران اندیشیده بودند اما پس از انقلاب، شعار رونق کشاورزی سر داده شد بدون توجه به اصول و شرایط مناطق مختلف جغرافیایی کشور.

طبق شنیده‌ها چاه‌های جیرفت به عمق ۷۰۰ متری رسیده است که یک فاجعه ملی است و باید به حال آن گریست. در ورامین نیز سالیانه با نشست زمین مواجهیم و مسلماً در سایر نقاط کشور چنین زنگ‌های خطری به صدا درآمده است.

مثلاً در بحث سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی باید دید آیا نیازهای اولیه صنایع در کشور ما وجود دارد یا خیر، برای مثال دولت سرمایه‌گذاری‌های کلانی در صنعت فولاد و پتروشیمی انجام داده اما ایران، کشور کم

قطعه کار را ادامه داد ما نیز باید چنین روندی را دنبال می‌کردیم. تولید خودرو که همیشه استراتژیک و نیاز مبرم جامعه نیست اما تولید وسایل نقلیه عمومی مانند قطار و اتوبوس واجب است که علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های کلان، هنوز قادر به تولید یک خودروی بدون عیب و نقص نیستیم. قیمت بنزین چندبرابر می‌شود اما خودروهای کم مصرف با طراحی و ساخته نمی‌شوند. اگر نرخ بنزین در اروپا ۱/۶ یورو است میزان مصرف هم پایین است و عمر ماشین‌ها از شش سال تجاوز نمی‌کند ولی در کشور ما خودروهای بیست و پنج ساله همچنان تردد می‌کنند! متأسفانه بخشی از مشکلات امروز ما نتیجه بی‌تدبیری‌ها و ضعف مدیریت‌ها و بی‌برنامگی‌هاست.

«وضعیت شاخه‌های مختلف صنعت نساجی اعم از الیاف، نخ، پارچه، پوشاک، پتو، فرش ماشینی و... چگونه است؟ ممکن است مقایسه کلی در زیرشاخه‌های نساجی ایران با کشوری مانند ترکیه انجام دهید؟»

اگر بخواهیم مقایسه درستی انجام دهیم ابتدا باید ببینیم ما چه میزان سرمایه‌گذاری انجام داده‌ایم و آیا از آن بهره برده‌ایم؟ آیا سرمایه‌ها را در اختیار اهل آن قرار داده‌ایم که امکان رشد و توسعه فراهم شود؟ متأسفانه در اغلب زمینه‌ها این‌گونه نبوده است. و لذا نمی‌توانیم مقایسه‌ای بین این دو کشور داشته باشیم. آنچه که ما از همکاران ترک خود می‌شنویم یک نوع حمایت و برنامه‌ریزی جدی برای تحقق برنامه‌های توسعه‌ای و صادراتی نساجی و پوشاک ترکیه است که ما در داخل کشور چین عزمی را نمی‌بینیم. انجمن صنایع نساجی ایران در حرکت بسیار موثر و ارزشمند یعنی طرح پایش - که اتفاقاً به پیشنهاد اولیه من نیز مطرح و حمایت هیات مدیره محترم به‌تصویب رسید - و خوشبختانه طی یکسال گذشته به نتایج قابل توجهی هم

خوشبختانه طی بیست سال اخیر شاهد سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در بخش ریسندگی هستیم که باید افزایش پیدا کند. در مورد بافندگی و تولید پوشاک نیازمند بازنگری و رسیدگی جدی هستیم و یادمان باشد موتور محرک صنعت نساجی - پوشاک - زمانی سریع‌تر به حرکت در خواهد آمد که انرژی برای ادامه فعالیت به آن تزریق شود. انرژی این موتور، تولید مواد اولیه باکیفیت نساجی است که باید در کشور تقویت شوند.

یکی از نقاط قوت صنعت نساجی این است که در تمام اقلیم‌ها و شرایط جغرافیایی قابل بهره‌برداری می‌باشد. از بطن کویر تا کوهستانی‌ترین منطقه کما این که در اغلب استان‌ها واحدهای فعال نساجی وجود دارند البته وظیفه دولت است که سنگ بنای رشد و پیشرفت را در مناطق کمتر توسعه یافته بنیان گذارد.

«آیا صنعت نساجی ایران در مقایسه با نساجی کشورهای همسایه مانند ترکیه، ازبکستان، پاکستان و ... حرفی برای گفتن دارد؟»

رشد و توسعه صنعتی نیازمند یک برنامه‌ریزی بلندمدت است که ما فاقد آن هستیم. برای مثال طبق برنامه بیست ساله ازبکستان، این کشور که تولیدکننده ۷۰۰-۸۰۰ هزارتن پنبه است به جایی خواهد رسید که تمام مصرف‌کننده پنبه‌های خود خواهد بود. در حال حاضر ازبکستان به صادرات نخ می‌اندیشد و از سال ۲۰۲۵ تولید و صادرات پارچه را در دستور کار قرار می‌دهد. در کشور ما طرح توسعه صنعتی تدوین می‌شود اما سهم صنعت نساجی فقط دو صفحه است! میلیاردها تومان صرف ساخت خودرو در کشور می‌شود اما به کجا رسیده‌ایم؟ هنوز قادر به تولید یک قطعه باکیفیت خودرو نیستیم. ترکیه از ابتدا بر تولید ماشین‌آلات متمرکز نشد بلکه به تقویت صنعت قطعه‌سازی پرداخت و تا صادرات

آبی است در حالی که صنایع مذکور به منابع عظیم آبی نیاز مبرم دارند و اختصاص ذخایر آبی به چنین صنایعی در طولانی مدت به زیان منافع کشور است. حال آنکه دولت می‌توانست با سرمایه‌گذاری و حمایت از صنایع نساجی بطور قابل ملاحظه‌ای اشتغال و ارزش آوری برای کشور ایجاد کند و واحدهای مذکور نیز در کنار مرز آبی پهناور جنوب کشور با ایجاد واحدهای تصفیه آب دریا، هم آب تصفیه شده و نیز برق و املاح شیمیایی دیگر همزمان تولید نمود.

«شما در حدود بیش از چهل سال سابقه فعالیت در صنعت نساجی دارید وضعیت شاخه‌های مختلف صنعت نساجی کشور را طی ۴۰ سال اخیر در مقایسه با خارج از کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

پیش از انقلاب، کارخانه‌های متعدد نساجی در کشور راه‌اندازی شدند و اگر با صنعت نساجی ترکیه طی آن سال‌ها مورد مقایسه قرار دهیم به این واقعیت می‌رسیم که ترکیه بسیار عقب‌تر از ما بود اما امروز اختلاف ما با این کشور بسیار زیاد است. پوشاک به‌عنوان تأمین‌کننده یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود بنابراین نباید سرمایه‌گذاری در صنعت پوشاک را به فراموشی سپرد. همان‌طور که می‌دانید به دلیل شرایط انقلاب که امری عادی در هر انقلابی است، تعدادی از کارخانه‌داران به خارج از کشور مهاجرت کردند و کارخانه‌هایشان مصادره شد و تمام این کارخانه‌ها به‌دلیل سوءمدیریت نهادهای دولتی و شبه دولتی به تدریج از بین رفتند اما این کارخانه‌های معظم مانند درختانی بودند که اگرچه تنه آنها بریده شده بود اما در کنار این درختان، جوانه‌های تازه سر از خاک درآوردند و فکر می‌کنم بیشترین سرمایه جمعیتی بعد از انقلاب در صنایع کشور در صنعت نساجی شکل گرفته است.



رسیده ایم ابتدا نیاز مملکت به محصولات مختلف صنایع نساجی را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس سرمایه‌گذاری‌های موجود و میزان ظرفیت‌ها و توان واقعی تولید و میزان واردات و صادرات را مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهد تا خلأهای زنجیره تولید و تامین زیرشاخه‌های صنعت نساجی را به‌دست آورد تا بتوان در مورد صنعت نساجی در کشور و میزان نیاز سرمایه‌گذاری‌های جدید در آن اظهار نظر کرد.

ما ضمن بررسی آمار واردات و صادرات گمرکات ایران و گمرکات بین‌الملل، آمارهای جمعیتی و مصرف بانک مرکزی و مرکز آمار و سایر منابع اطلاعات و آمار را مورد تحلیل قرار داده‌ایم و همزمان در یک برنامه‌ریزی اجرایی و میدانی واحدهای تولید کشور را از نظر میزان فعالیت و ظرفیت‌ها و توانمندی و تکنولوژی تولید مورد ارزیابی و پایش قرار دادیم و در این پروژه از همکاری دانشگاه‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و ادارات صنعت معدن استانها هم کمک گرفته‌ایم تا برای اولین بار در صنعت نساجی یک پایش مناسبی روی صنعت انجام گیرد تا شاهد نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدهای صنعت باشیم. البته ما علاوه بر پایش صنعت نساجی باید به موضوع ارتقا و اعتلای صنعت هم توجه کنیم و در حوزه طراحی و مد و کیفیت هم تحول اساسی

ایجاد کنیم و فرهنگ مصرف و تولید کشور را ارتقا دهیم. ما باید تلاش کنیم سطح کیفی و کمی محصولات را همزمان بالا ببریم تا حرفی برای رقابت در بازار داشته باشیم.

برای مثال استفاده از پلی‌استر برای پوشاک کودک و البسه زیر مضر است پس باید این قبیل مسائل را به دقت تجزیه و تحلیل کرد تا متوجه میزان عقب ماندگی خود شویم. به هیچ‌عنوان صحیح و منطقی نیست که با ارائه محصولات ارزان قیمت، به سلامت جامعه لطمه بزنیم و مثلاً جوراب‌هایی با الیاف مصنوعی تولید شود که امکان تنفس پا- به عنوان قلب دوم- را به فرد نهد و پا بوی بد بگیرد. پس ما وظیفه داریم در این زمینه‌ها هم برنامه‌ریزی و تلاش کنیم تا علاوه بر تامین نیاز و سلیقه مشتری، سلامت جامعه را در حوزه صنعت نساجی و محصولات آن تامین کنیم. به اعتقاد من اگر یک دهم سرمایه‌ای که در فولاد و پتروشیمی سرمایه‌گذاری می‌شود به صنعت نساجی اختصاص پیدا کند، ده برابر بیشتر توان استخدام نیروهای انسانی را دارد زیرا در بخش‌هایی از صنعت نساجی هنوز سیستم اتوماسیون مستقر نشده است اما متأسفانه ضوابط پایداری در کشور ما وجود ندارد و سیستم بانکی خود را ملزم به اجرای ضوابط نمی‌داند.

در کشورهایی مانند هند و ترکیه، نرخ سرمایه‌گذاری به مراتب کمتر از نرخ بازرگانی است اما تمام منابع ما وارد بخش بازرگانی می‌شود. زیرا در دسرها و مشقت تولید به مراتب بیشتر از واردات نخ و پارچه و پوشاک است و سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد منابع مالی خود را به فعالیت‌های سودآور و کم‌ریسک اختصاص دهد. در همین شرایط روحیه وطن‌پرستی به محک گذاشته می‌شود که آیا سرمایه‌گذار به منافع مادی خود توجه می‌کند یا سرمایه را صرف تولید و اشتغال‌زایی هموطنان می‌نماید.

۴ پیشنهاد شما به دولتمردان برای سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی و یا حمایت از سرمایه‌گذاری در این صنعت چیست؟

دولت ابتدا باید ببیند منافعی در کجاست و هدفش از سرمایه‌گذاری صنعتی چیست! آیا می‌خواهد با احداث کارخانه فولاد در مکان نامناسب، ذخایر آبی را از بین ببرد؟ یا با وضع تعرفه‌های سنگین، جلوی واردات آهن را بگیرد تا موفق به فروش آهن تولید داخل شود؟ یا تمایل به استمرار واردات غیرقانونی پوشاک دارد؟! دولتمردان باید بدانند ایجاد اشتغال مهم‌ترین عامل ایجاد آرامش و امنیت اجتماعی در کشور است. اگر کسی در روستای خود شاغل باشد و دغدغه تأمین معاش خود و خانواده‌اش را نداشته باشد که دیگر دلیلی برای مهاجرت به شهرهای بزرگ مانند تهران ندارد؛ ولی زمانی که قادر به سیر کردن شکم فرزندان خود نیست راهی شهر می‌شود و به مشاغل کاذب روی می‌آورد در حالی که با احداث یک کارخانه ریسندگی، زمینه اشتغال حداقل برای دویست نفر به وجود می‌آید. اگر این واحد ریسندگی، بخش‌های گردباف و تکمیل هم اضافه کند، ده هزار نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم مشغول کار خواهند شد.

طبق آمار حدود سه میلیون نفر فارغ‌التحصیل بیکار در کشور وجود دارد اما جسارتاً خدمتتان عرض کنم که بنده معتقدم سه میلیون نفر جزوه نویس بیکار داریم! که هیچ‌کدام دانش را به معنای واقعی کسب نکرده‌اند. ده‌ها دانشگاه یکی پس از دیگری در شهرهای مختلف کشور تأسیس می‌شوند اما احداث هنرستان‌های توانمند و موثر چه اشکالی دارد؟ در این راستا سیاست‌های دولت بسیار تعیین‌کننده است و پیشنهاد جدی و کاربردی من به دولت، مجلس و آموزش عالی این است که بخشی از دانشگاه‌های آزاد اسلامی فعلی را که خوشبختانه در اقصی نقاط کشور هم وجود دارند و بسیاری از آنها از کمبود

دانشجو رو به تعطیلی هستند را به هنرستان تبدیل نماید تا جوانان با فلز کاری، جوشکاری، لوله کشی و مشاغل فنی و تکنسینی آشنا شوند و عمر خود را در دانشگاه‌ها و خواندن دروس تئوری صرف نکنند. واقعیت این است که ما در هرم نیروی انسانی صنعت به تکنسین‌ها و نیروی کار ماهر و فنی نیاز داریم و این منابع دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند به نحو بهتر و مطلوب‌تری نیازهای منابع انسانی صنعت کشور را تامین نماید.

در خلال صحبت‌هایتان به اجرای طرح پایش اشاره کردید. این طرح در چه وضعیتی قرار دارد و تاکنون به چه نتایجی دست یافته است؟ طرح پایش نیاز بخش‌های مختلف صنعت نساجی کشور را تا سال ۱۴۱۰ مشخص می‌کند تا برنامه‌ای منطبق بر نیازهای موجود تدوین شود اما متأسفانه اگر بخواهیم استانداردهای متوسط مصرف بین‌المللی را مدنظر قرار دهیم، از نظر تولید و سرمایه‌گذاری بسیار عقب هستیم.

به اعتقاد ما به جای واردات نخ که ارزش افزوده آن نصیب کشور دیگری می‌شود، باید پنبه وارد گردد اگرچه کاشت پنبه در داخل باید توسعه پیدا کند و کمبودها از طریق واردات رسمی برطرف شود اما بیشتر پنبه فعلی ایران امکان تولید نخ‌های نمره ۳۰ شانه به بالا و مخصوصاً ظریف را ندارد در حالی که پارچه‌ها روز به روز لطیف‌تر و سبک‌تر می‌شوند ولی ما قادر به تولید چنین پارچه‌هایی نیستیم چون به پنبه مناسب دسترسی نداریم و صنعتگران باید اجازه واردات پنبه موردنیاز و ایده‌ال را با تعرفه صفر داشته باشند. زمانی که تولیدکننده نسبت به تأمین مواد اولیه قابل رقابت اطمینان حاصل کند، دنبال احداث کارخانه نیز خواهد رفت.

میزان تولید پوشاک در کشور پاسخگوی نیاز بازار داخلی هست یا خیر؟ به نظر می‌رسد

ممانعت از واردات منجر به افزایش قاچاق می‌شود؟

مخالف ممنوعیت واردات پوشاک هستیم و پوشاک باید با تعرفه منطقی که امکان رقابت را برای تولیدکننده داخلی ایجاد کند وارد شود اما از سوی دیگر امکانات تولید باکیفیت و متنوع نیز فراهم گردد تا تولیدکننده داخلی به رقابت سالم با محصولات خارجی بپردازد. به هر حال سرمایه به جایی می‌رود که منفعت و سود ایجاد کند. اگر جلوی قاچاق پوشاک گرفته شود و پوشاک وارداتی از مبادی رسمی پس از پرداخت تعرفه‌های قانونی وارد شود؛ انگیزه تولیدکننده داخلی (یا به عبارت دیگر سرمایه‌گذار داخلی) افزایش پیدا می‌کند. بار دیگر تکرار می‌کنم که با ممنوعیت، مخالف و با وضع تعرفه‌های قانونی صد درصد موافق هستیم؛ نه مانند امروز که ارز متأسفانه نرخ ارز مرجع محاسبات در گمرکات دلار ۴۲۰۰ تومانی است در حالی که تولیدکنندگان مواد اولیه و قطعات و ملزومات خود را با ارز ۱۱ هزار تومانی خرید می‌کنند و در واقع این هم یک نوع سوبسید است که متأسفانه دولت به واردکنندگان محصول نهایی می‌دهد و حقوق و عوارض را با تخفیف از ایشان دریافت می‌کند.

شما که با ممنوعیت مخالف هستید، قطعاً در جریان بحث ممنوعیت واردات مواد اولیه قرار دارید و انجمن صنایع نساجی ایران نیز پیگیر این موضوع است به خصوص در مورد واردات نخ...

پنبه، اکریلک، ویسکوز، پشم و امثالهم پایه هستند ولی نخ در این فهرست جایی ندارد! باید پنبه وارد کرد تا موجب اشتغال‌زایی و خلق ارزش افزوده شود و بتوانیم تمام نمرات نخ مورد نیاز را به دست مشتریان برسانیم. اما وقتی شما نخ را وارد می‌کنید در واقع موجب به تعطیلی کشاندن کارخانجات ریسندگی با

بیشترین اشتغال در صنعت نساجی و وابستگی به خارج می‌شوید.

ما معتقدیم آنچه را که در داخل توان تولید داریم باید از تولید داخل استفاده کنیم تا سرمایه‌گذار نیز به سرمایه‌گذاری در این بخش سوق نماید و در نهایت بازار با عرضه بیشتر به تعادل می‌رسد و از واردات آن پرهیز کنیم اما آنچه را که نداریم باید قطعاً وارد کنیم.

البته این نکته را عرض کنم که محدودیت و ممنوعیت واردات مواد اولیه ای که تولید داخل داریم لزوماً به معنی این نیست که با ایجاد ممنوعیت شاهد افزایش قیمت بی دلیل تولیدات داخلی باشیم.

ما به شدت در کارگروه پیگیرییم که شرکت‌های تولیدکننده نخ قیمت‌های فروش خود را مرتباً اعلام کنند و از طرفی هم بازار را به شدت رصد می‌کنیم که هم کمبودی در بازار نباشد و هم اینکه افزایش قیمتی بدلیل کاهش عرضه در بازار بوجود نیاید. و خوشبختانه تا کنون تولیدکنندگان و انجمن و ها و اتحادیه‌ها هم همکاری لازم را داشته‌اند.

البته باز هم تأکید می‌کنم که خوشبختانه مدیرکل محترم صنایع نساجی و پوشاک و سلولزی وزارت صنعت معدن و تجارت و همکاران ایشان به شدت همکاری خوبی را با ما در برنامه ریزی و حل مشکلات داشته‌اند و ما نیز تمام تلاش خود را داشته‌ایم که بعنوان بازوهای مشورتی و حمایتی در کنار ایشان به حل مشکلات واحدهای نساجی بپردازیم.

تعدادی از بافندگان نسبت به رویکرد انجمن و واحدهای ریسندگی انتقاداتی مطرح می‌کنند. آنان معتقدند به محض این که بحث ممنوعیت واردات نخ مطرح می‌شود بلافاصله قیمت نخ‌های تولید داخل و شرایط فروش به نحوی

پیش می‌رود که تا صد درصد نسبت به مشابه خارجی گران‌تر به دست مشتری می‌رسد نظر شما در این مورد چیست؟

با احترام فراوان به تمام فعالان صنعت نساجی اما واقعیت این نیست. چرا ما باید ارزش افزوده تولید نخ را به تولیدکننده خارجی بدهیم در حالی که باید جذب کشور خودمان شود. در صورت واردات پنبه و سهولت دسترسی تولیدکننده به آن و صفر شدن تعرفه مواد اولیه پایه نظیر الیاف پنبه، ویسکوز، اکریلیک و پشم، که به میزان مورد نیاز کشور تولید داخل ندارند، خودبخود یکی از بهانه‌های همیشگی ریسندگان - یعنی کمبود مواد اولیه - برطرف می‌شود!

نکته بعد این که تولیدات ما ارزان‌تر تمام می‌شود ولی واردکنندگانی که نخ نمره ۴۰ را به نام نخ نمره ۲۰ و با بداهکاری و کم‌اظهاری داخل کشور می‌کنند و جهت فرار از مالیات حاضر به صدور هیچ‌گونه فاکتور رسمی یا پرداخت مالیات بر ارزش افزوده نیستند؛ نظم بازار را برهم می‌زنند و اختلال جدی ایجاد می‌کنند ضمن این که کار غیرقانونی و خلاف انجام داده‌اند. این که نامش تولید نیست!

با اطمینان به شما اعلام می‌کنم نخ‌هایی که در اکثر کارخانه‌های کشور تولید می‌شوند، کیفیت به مراتب بهتری از مشابه خارجی دارند و اگر کسی مخالف این نظر است، حاضر به اثبات گفته خود در آزمایشگاه‌های علمی معتبر هستیم. از نزدیک مشاهده کرده‌ام که بعضی از نخ‌های وارداتی، پرزهای بسیاری دارند یا تاب آنها نسبت به شانه زیاد است چون دارای الیاف کوتاه می‌باشد. اگر نیاز کشور به نخ بیشتر شود باید واردات صورت گیرد اما توسط تولیدکننده. به اعتقاد من مخالفان و موافقان واردات نخ باید روبروی هم بنشینند و هر کدام نقطه نظرات خود را مطرح کنند تا اشکال کار مشخص شود.

مطلب دیگر این که مگر لباسی که تولیدکننده عرضه می‌کند، به همان قیمت بنگلادش می‌فروشد؟ قیمت تی‌شرت دارای برند با نخ مرسریزه ۶۰ یا ۴۰ دولا در بنگلادش ۶ دلار (با احتساب سایر هزینه‌ها حدود ۸۰ هزار تومان) است ولی در ایران همان تی‌شرت با نخ یک لای ۳۰ بافته می‌شود و به قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد! مشکل کار اینجاست که فقط به کسب سود خودمان فکر می‌کنیم نه سود ملت را می‌بینیم نه توجهی به منافع تولیدکننده زنجیره‌های قبلی و بعدی داریم.

هزینه ماشین‌آلات یک کارخانه نساجی با ۲۰ تن تولید نخ، حداقل ۱۵ میلیون یورو است که با احتساب هزینه‌های احداث ساختمان و تأسیسات، صرف‌نظر از پرداخت حقوق و دستمزد ۲۰۰-۳۰۰ نفر نیروی انسانی و هزینه‌های بالای برق و انرژی (که تولیدکننده محکوم به پرداخت چندبرابری آنهاست!) این هزینه و سرمایه‌گذاری پوشاک و گردباف مقایسه کنید.

اگر این کارخانجات صنعتی و بزرگ ما تعطیل شوند، قیمت کالاهای آن نیز توسط خارجی‌ها افزایش یافته و نیز خود بخود خیل عظیمی بیکار میشوند که قطعاً منجر به کاهش قدرت خرید خانوار خواهد شد (ضمن اینکه ناامنی و فساد و مشکلات اجتماعی بوجود می‌آورد) و در صورت افزایش بیکاری، آیا تولیدکننده پوشاک می‌تواند کالای خود را به فروش برساند؟ مردم تا وضعیت اقتصادی مناسبی نداشته باشند، خرید انجام نمی‌دهند شما می‌دانید که پوشاک پس از خوراک و مسکن در اولویت سوم قرار دارد. فرد شاید بتواند از پوشاک روزمره خود یک‌سال استفاده کند اما نمی‌تواند یک‌سال بدون خوراک سر کند پس باید همگی منافع ملی را مدنظر قرار دهیم و سپس به دنبال گرفتن حق

خود از این منافع باشیم. از شعار هم فاصله بگیریم زیرا دود آن به چشم همگی ما خواهد رفت باید واقع‌بین باشیم و درد همدیگر را درک کنیم.

چه مکانیسمی می‌توان اتخاذ کرد تا ممنوعیت واردات نخ منجر به افزایش قیمت نخ‌های تولید داخل نشود؟

خوشبختانه کارگروه تأمین مواد اولیه متشکل از اتحادیه‌ها و تشکل‌های مختلف نساجی و پوشاک به وجود آمده که کنار همدیگر در زمینه قیمت مواد اولیه به بحث و تبادل نظر می‌پردازیم، اما بسیاری از مسائل را نمی‌توان گفت. اگر همه تابع قانون باشیم، ۸۰ درصد مسائل حل خواهد شد. توجه داشته باشید که اغلب تولیدکنندگان فیلامنت پلی‌استر اعضای انجمن صنایع نساجی هستند که وقتی قیمت محصولات خود را افزایش دادند ما با آنها مذاکره نمودیم و پیگیر کاهش قیمت شدیم همانطور که از سوی دیگر برای کاهش قیمت چپیس پلی‌استر نیز با همکاری اداره کل نساجی مذاکره کردیم و موفق نیز شدیم و جای آن دارد که از زحمات مدیرکل محترم سرکار خانم مهندس محرابی و کارشناسان اداره قلباً تشکر نمایم.

معتقدم باید صنعت نساجی را به طور کلی نگاه کنیم نه این که بر منافع گروه یا شاخه خاصی متمرکز شویم، همه باید در شرایط مساوی به فعالیت ادامه دهند و در بازار حضور داشته باشند.

البته من در تکمیل سوال قبلی، این را هم عرض کنم که دیدگاه سومی هم وجود دارد! واحدهای ریسندگی باید پنبه ۴-۳ ماه خود را جلوتر تأمین کنند. پس خواب سرمایه یک واحد ریسندگی با تولید ۲۰ تن نخ، ۵۷ میلیارد تومان است آیا واحد بافندگی دارای چنین خواب سرمایه‌ای هست؟ پس افزایش قیمت نخ چندان غیرمنطقی نیست زیرا تولیدکننده به مواد اولیه

مشکل مواجه هستند؟

بله پوشاک قاچاق پذیرترین است البته جدای از بحث قاچاق پوشاک، بخشی از این قاچاق صورت چمدانی است که لطمت جدی به صنعت کشور وارد کرده است. اما قاچاق را تهدید بسیار بزرگی نمی‌بینم. اگر به معنای واقعی و عملی از تولید داخل حمایت شود، کمر قاچاق را می‌شکنیم منتها مشکل اینجاست که بازرگانان دنبال بازگشت سریع سرمایه‌های خود هستند لذا نرخ را به مناطق آزاد می‌برند و در مدت کوتاهی تمام محموله‌های وارداتی خود را می‌فروشند ولی تولید در کارخانه ریسندگی زمان‌بر است و چندین ماه به طول می‌انجامد. در واقع این صرفه‌های بالای اقتصادی است که سرمایه‌های را که باید برای تولید مصروف شوند به سمت فساد و کم‌ظهاری و بد اظهاری و قاچاق میبرد. اگر ما برای تولید صرفه و سود قائل شویم مطمئن باشید که قاچاق برچیده میشود.

«صرف نظر از مسائل میهن‌پرستی آیا در نگاه اول متوجه تفاوت میان پوشاک داخلی و خارجی خواهید شد؟»

خیر در بعضی از اقلام متوجه هیچ تفاوتی نمی‌شویم. برای مثال البسه زیر بسیار باکیفیتی در کشور تولید می‌شود. در بعضی از فروشگاه‌های پوشاک کشور، مردم برای خرید محصولات تولید داخل صف‌های طولانی می‌کشند این یعنی اعتمادی که برندهای مطرح و معتبر پوشاک ایرانی نزد مردم کسب کرده‌اند. و خوشبختانه ما در حوزه تولیدات نساجی پیشرفت‌های کمی و کیفی خوبی داشته‌ایم هم در نخ هم پارچه هم پوشاک هم حوله هم فرش و موکت هم پتو و کالای خواب و سایر محصولات، شما امروز برندهای خوب و مطرح ایرانی را دارید که محصولاتی با کیفیت صادراتی تولید می‌کنند.

دارند ناخواسته با چنین اقداماتی، مملکت را نابود کنند وگرنه همه می‌دانند افزایش ناگهانی قیمت‌ها بسیار شوک‌آور است. متأسفانه یکی از مواردی که باید اینجا به آن اشاره کنم موضوع سیاسی بودن اقتصاد کشور است و ما به‌جای آنکه به دنبال سیاست‌های اقتصادی درست باشیم بیشتر به دنبال اقتصاد سیاسی بوده‌ایم. ما باید بکوشیم اقتصاد را از سیاست جدا بینیم تا بتوانیم صنعت و تولید و اقتصاد را پایدار تر و با ثبات تر به جلو ببریم.

«امسال تحت‌عنوان «رونق تولید» نام‌گذاری شده است و وزارت صنعت، معدن و تجارت، نساجی و پوشاک را جزو یکی از اولویت‌های حمایتی خود اعلام می‌کند آیا در عمل شاهد تحقق چنین حمایت‌هایی هستید؟»

در مجموع می‌توان گفت بله. تعامل خوبی با وزارت صنعت به خصوص مدیرکل و کارشناسان توانمند و فهیم دفتر نساجی و پوشاک برقرار کرده‌ایم و جلسات متعددی برای استخراج نکات ضعف و تبدیل آنها به فرصت برگزار می‌شود اما بعضی مسائل خارج از حیطه وزارت صنعت است مثلاً وقتی بانک به تولیدکننده‌ای که سرمایه‌اش به دلیل افزایش نرخ ارز به یک سوم کاهش یافته، تسهیلاتی اعطا نکند، چه باید کرد؟ دولت هند با موفقیت توانست برنامه «به روز رسانی صنعت نساجی» را اجرا نماید و به این ترتیب تعداد دوک ریسندگی این کشور ۶۰ درصد افزایش یافت و امروز بالای ۴۰ میلیون دوک ریسندگی در هند وجود دارد. اما متأسفانه ما بدلیل متعدد امکان برنامه ریزی و اجرای برنامه‌ها را نداریم و البته شرایط تحریم‌های ظالمانه هم متأسفانه بی‌تاثیر نبوده و بهر حال باید همه جوانب را با هم مورد بررسی قرار داد.

«قاچاق در صنایع نساجی را محدود به پوشاک می‌دانید یا تمام بخش‌های نساجی با این

نیاز مبرم دارد و نمی‌تواند هر روز پنبه بخرد، پنبه‌ای که کوچک‌ترین تغییر در مشخصات آن، در کیفیت نهایی محصول اثرگذار است. ولی به این معنا نیست که خدای ناکرده تولیدکننده نخ به دنبال سوءاستفاده از شرایط موجود می‌باشد. باید واقعیات براساس سند و مدرک منعکس شوند نه بر پایه حرف و گفته‌های دیگران. ضمن اینکه نباید هزینه سنگین پول بانکی را فراموش کرد.

«یکی از اتفاقاتی که در اقتصاد کشور طی دهه اخیر رخ داده، افزایش نرخ ارز است که بسیاری از تولیدکنندگان معتقدند در صورت واقعی شدن نرخ ارز، توان رقابت پیدا می‌کنند، جلوی قاچاق گرفته می‌شود، صادرات رونق پیدا می‌کند که البته منتقدین هم بر این باور بودند که چون بخشی از ماشین‌آلات، قطعات و مواد اولیه از خارج کشور تهیه می‌شود، افزایش نرخ ارز منجر به گران شدن قیمت محصول نهایی خواهد شد. اکنون که نرخ ارز افزایش پیدا کرده است دیدگاه شما در این زمینه چیست؟* اختلاف نرخ ارز تا چه میزان بر فعالیت واحدهای نساجی تأثیر می‌گذارد؟»

به نکته خوبی اشاره کردید. متأسفانه در این تغییر نرخ ارز سرمایه مردم و ارزش پول ملی تا یک چهارم تقلیل پیدا کرده و مصرف‌کننده سبد خود را کوچکتر می‌بیند همانطور که تولیدکننده نیز دچار مشکلاتی شده است بطور مثال علاوه بر رکود، اگر تولیدکننده‌ای قادر به خرید ۴۰۰ تن پنبه بوده امروز می‌تواند صد تن پنبه بخرد، این موارد تأثیرات واقعی اختلاف نرخ ارز در صنعت نساجی هستند. اگر سیستم بانکی نرخ ارز را متناسب با میزان تورم کشور در نظر بگیرد و تفاوت این دو را هر سال اعمال کند، حداکثر ۴-۵ درصد اضافه خواهد شد نه اینکه بعد از ۵ سال یا ۸ سال ۲۰۰ تا ۴۰۰ درصد! نرخ ارز را بالا ببریم و شوک بزرگی به اقتصاد وارد کنیم. گاهی اوقات فکر می‌کنم کسانی تصمیم

وضعیت برندسازی در صنعت نساجی و پوشاک چگونه است؟

باید بپذیریم که محدودیت‌های بسیاری در طراحی‌هایمان وجود دارد که معنا و مفهوم برند را تقلیل می‌دهد. برند یعنی کالایی که به اصطلاح به دل مردم بنشیند و تعریف آن دهان به دهان بچرخد. برند به خصوص در بخش پوشاک فقط در ظاهر خلاصه نمی‌شود و مردم متوجه باطن آن نیز هستند. یکی از محدودیت‌های تولیدکنندگان پوشاک، دسترسی به تجهیزات جانبی (خرج کار) است. به اعتقاد من فضا برای واردات این قبیل محصولات باید آزادتر باشد. اما در مجموع گام‌های خوبی برای برندسازی برداشته شده و حتماً با حمایت‌های بیشتر می‌توانیم برندهای مطرحی را در سطح ملی و بین‌المللی داشته باشیم.

هیچ‌گاه در زمینه ساخت ماشین‌آلات یا قطعه‌سازی موفق نبوده‌ایم. با توجه به تحریم‌ها و وجود مشکلات در تأمین به موقع قطعات ماشین‌آلات خارجی، امکان ساخت آنها در کشور وجود ندارد؟

تکنولوژی ماشین‌آلات مرتب در حال تغییر و تحول است و غول‌های بزرگ نساجی با سرمایه‌های هنگفت و کمک دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی به طراحی و تولید ماشین‌آلات نساجی می‌پردازند ولی در کشور ما چنین امکاناتی وجود ندارد، باید این واقعیات را ببینیم. ما هنوز در صنعت نساجی به طور کامل موفق نیستیم، حال می‌خواهیم به دنبال ماشین‌سازی در صنعت نساجی برویم!!!

با توجه به حضورتان در جایگاه ریاست هیأت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران، این تشکر در چه شرایطی به سر می‌برد؟

پنجمین دوره از عضویت من در هیأت مدیره انجمن سپری می‌شود و می‌توان گفت اغلب

اقدامات و برنامه‌های آن برای اعضاء، بسیار خوب و مطلوب بوده است. البته دفتر صنایع نساجی وزارت صنعت نیز همراه ما بوده و هست و پا به پای ما در جلسات مشترک با دولتمردان و مسئولان نهادهای مختلف دولتی حضور فعال داشته است. امیدوارم نتایج تلاش‌های ما برای صنعت نساجی ثمر باشد. شاید بهتر باشد این سوال را از اعضای انجمن بپرسید تا از من.

انجمن برای سال‌های آتی، برنامه مشخصی دارد؟

شرایط آن قدر دشوار است که اولویت نخست ما رفع مشکلات صنعتگران نساجی است و به‌شخصه هر گاه مشکلی را در وزارت صنعت مطرح کرده‌ام، فکر نکرده‌ام که این مشکل متعلق به عضو انجمن است یا تولیدکننده‌ای خارج از انجمن. ما تمام همت خودمان را می‌کنیم که شرایط بهتری برای تولید و تولیدکننده فراهم کنیم.

سال ۷۸ طی مصاحبه‌ای با آقای مهندس محمد مروج - رئیس اسبق هیأت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران - از ایشان سوال کردیم نقش برنامه‌ریزی استراتژیک در صنعت چگونه است که پاسخ دادند توقع نداشته باشید یک محتضر منتظر مرگ، دنبال عمل زیبایی باشد! آیا طی این بیست سال شرایط تغییر نکرده است؟

اگر آن زمان صنعت در حال احتضار بوده، پس چگونه این حجم از سرمایه‌گذاری برای راه‌اندازی کارخانه‌های مختلف انجام شده است؟! اگر تولید مقرون به صرفه نبوده آیا سرمایه‌گذاران دیوانه هستند که پول خود را صرف امور بیهوده نمایند؟ البته کاملاً قبول دارم دو شرط برای ورود به صنعت در ایران وجود دارد عاشق بودن و دیوانه بودن اما نمی‌توان منکر سرمایه‌گذاری‌های فراوان در

نساجی طی بیست سال اخیر شد متأسفانه سیاست مشخص و مدونی وجود ندارد. وقتی قیمت ارز ناگهان چهار برابر افزایش می‌یابد، قادر به اجرای چه برنامه‌ای هستید؟ وقتی سرمایه تولیدکننده یک چهارم کاهش یافته با کدام برنامه می‌توان آن را توجیه کرد؟ مشکل ما عدم ثابت شرایط در کشور است. اقتصاد ما سیاست‌زده است در حالی که اقتصاد باید از سیاست جدا شود.

استاندارد کارهای تشکیلاتی از اتاق‌های بازرگانی گرفته تا انجمن نساجی در چه سطحی است و نقش آنها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اصولاً در زمینه تشکیلات، دارای تجربه موفق هستید؟ ممکن است مقایسه‌ای با نقش تشکیلات در سایر کشورها انجام دهید؟ متأسفانه در زمینه تشکیلات با سایر کشورها، فرسنگ‌ها فاصله داریم. در ایران سرمایه‌دار مانند شمعی در حال سوختن است، کارگر مانند پروانه دور شمع می‌گردد، قوانین و مقررات و سیاست‌ها مانند شاعر است. شمع می‌سوزد و خاموش می‌شود، پروانه به زمین می‌افتد اما قوانین همچنان ادامه دارند!

مطلب‌پایانی؟

صنعت نساجی کارگر بر است و نیاز مبرم به کار و محصولات باکیفیت داریم. راه رشد و توسعه صنعت نساجی به دو دلیل بسیار روشن است: «برون رفت از بحران بیکاری» و «رفع نیاز». دولتمردان اجازه دهید تا نساجی، نفسی تازه کند. پیشنهاد می‌کنم به صنایع اشتغال‌زا مانند نساجی، امکانات و امتیازات ویژه اختصاص پیدا کند. برای مثال خواهان حذف یا کاهش مالیات بر ارزش افزوده از تولیدکننده هستیم یا برای تولیدکنندگان نساجی معافیت ۱۵ درصدی مالیات تعریف شود همانند کشورهای توسعه یافته که زمانی شرایط ما را داشتند.